

مقدمه..... ۱

فصل اول: مبانی استعدادیابی و استعداد پروری

۱-۱ انسانها معادن گرانبهای هستند..... ۶

۱-۲ استعداد یا هدیه خاص الهی؟..... ۷

۱-۳ منطقه طلایی کشف استعدادها..... ۸

۱-۴ پیش فرضهای غلط، مانعی بر شناسایی و رشد استعدادها..... ۱۳

۱-۵ شکوفائی استعداد به زندگی کیفیت میدهد..... ۱۹

۱-۶ هنر تعامل با استعدادها..... ۲۰

۱-۷ تأثیر فرصتها در پرورش استعدادها..... ۲۲

۱-۸ تأثیر متقابل عشق و استعداد..... ۲۵

۱-۹ فرمول توسعه استعدادها..... ۲۷

فصل دوم: استعداد و فیزیولوژی مغز

۲-۱ روش برخورد افقی با مغز..... ۳۲

۲-۲ روش برخورد عمودی با مغز..... ۳۴

۲-۳ تلفیق روشهای افقی و عمودی (گلبرگ مغز)..... ۳۴

۲-۴ رشد گلبرگهای مغز (رشد چهار قسمت مغز)..... ۳۵

۲-۵ تکنیکهای رشد ظرفیتهای مغز..... ۳۷

۲-۶ تفریحات مغزی..... ۳۸

۲-۷ سلولهای عصبی و هورمونها..... ۳۹

۲-۸ مکانیزم ارتباط ذهن و مغز و مدیریت آن..... ۴۱

فصل سوم: فرآیند استعدادیابی

۳-۱ ارتباط دیدگاههای شخص با مقوله خودشناسی..... ۵۰

۳-۲ هوش و انواع آن..... ۵۳

۳-۳ حافظه و راهکارهای تقویت آن..... ۶۳

۳-۴ شخصیت..... ۶۷

۳-۵ آزمونهای نقاشی، خط و امضا..... ۱۰۸

۱-۱ انسانها معادن طلا و نقره هستند

در حدیث زیبایی از پیامبر اسلام داریم که فرموده اند: «الْإِنْسَانُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ» بدین معنی که «انسانها همانند معادن طلا و نقره هستند» تعبیر بسیار زیبا و لطیفی است و می‌خواهد به ما بگوید هر یک از ما انسانها در درون خود معدن بالقوه‌ای از مواد ارزشمند هستیم، اما این معدن نیاز به معدنکاری دارد.

قبل از هر چیز باید بدانیم چه معدنی و با چه رگه‌ای از خلوص داریم؟ کدامیک از معادن درونی ما معدن اصلی وجود ماست که باید استحصال گردد؟ آیا معدن ما از نوع معادن باز است که همگان را قدرت دیدن و درک آن است یا نه، معدنیست که در اعماق وجود ما جای دارد و به تعمق و کاوش زیادی نیاز دارد؟ پس از آنکه معدن واقعی خود را کشف کردیم نوبت به باطله برداری میرسد. چه باطله‌هایی که خود با تفکرمان تولید و سد راه کرده ایم و چه باطله‌هایی که از سوی والدین، دوستان و آشنایان رفته رفته انباشته شده و حجابی در مسیر شناخت حقایق گشته است. باطله برداریها گاه به راحتی، اما در اکثر مواقع با زحمت فراوان همراه است، ولی رهیدن از آنها سبکبالی خاصی در ما ایجاد میکند. اکنون نوبت برداشت مواد معدنی میرسد که در صورت سخت و سنگی بودن نیاز به عملیات آتشیاری داریم، چاشنیهای خاص باید در مکانهای ویژه قرار داده شوند، جرقه‌ها شکل گرفته، صخره مستحکم را نرم ساخته، تا قابل انتقال به کارخانه باشد. این مخلوط مواد اولیه اکنون آماده فرآوریست، فرآوری هم خود دارای مراحل مختلفی چون: عملیات آسیاب کردن مواد اولیه، همزدن مواد اولیه، تغلیظ و شناورسازی و در بعضی موارد ورود به کوره‌های ذوب است. در مقام مقایسه باید تمامی دانه‌های شن موجود در ذهن را الک کنیم تا تکه‌های بزرگ و ناب طلا و نقره ذهنمان استخراج گردد و در

پایان محصول داشته باشیم، اما هنوز کار تمام نشده است ماده ارزشمند تهیه شده‌ما به بسته بندی زیبا و بازاریابی مناسب هم نیاز دارد تا بتواند جای خود را در بازار پرهیاهوی دیگر کالاها و تولیدات بیابد.

۲-۱ استعداد یا هدیه خاص الهی؟

نکته ظریفی که در مقوله استعداد وجود دارد یکتایی و منحصر به فرد بودن آن است به گونه‌ای که تحقیقات دانشمندان نشان داده است که هر انسان دارای نود و پنج خصوصیت منحصر به فرد است که از آن جمله می‌توان به اثر انگشت، DNA، طرز راه رفتن، بوی بدن و از همه مهمتر استعداد اصلی او اشاره نمود و لذا رمز اصلی موفقیت هر فرد در زندگی را تمرکز بر روی استعداد ویژه وی دانسته اند. بسیاری از بزرگان ما نیز بر این اعتقاد بوده و هستند که تفویض مقام خلیفه الهی از سوی پروردگار متعال به انسان، در واقع اعطای یکی از استعدادهای جهان هستی به وی است، که شکوفائی آن رمز تعالی اوست چرا که اساس تعالی، شناخت است و شناخت نیز از خود شروع و به خدا می‌انجامد: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» حضرت امام جعفر صادق (ع) نیز در کتاب توحید مفضل در تأیید این مبحث فرموده اند: «هیچ دو انسانی را در کره زمین نخواهید یافت که دارای یک صفت باشند».

پس شکی نیست در اینکه اولاً همه ما استعداد داریم و ثانیاً این استعداد منحصر به فرد است، اما آنچه رشد و بالندگی ما را در زندگی رقم می‌زند، شناخت دقیق استعداد درون و به ثمر نشانیدن نهال استعداد، در مزرعه پر از جوانه زندگی ماست. با پرورش اصولی و تنومند سازی بذر استعداد هم زندگی خود را زیباتر ساخته، هم زیبایی و آگاهی را به هموعان خود هدیه داده‌ایم و از همه مهمتر امانتدار خوبی برای امانت الهیمان بوده‌ایم. در اینجا ذکر یک داستان پند آموز خالی از لطف نیست: